

Fundamental Topics in Sociolinguistics

Nahid Behmanesh¹

Abstract

Sociolinguistics is an interdisciplinary field resulting from the link between linguistics and sociology, in which the research methods of both sciences are used to study language. In sociolinguistics, language is considered as a social phenomenon. In this field, each language is studied in its social-cultural context since social events leads to some effects on languages. in today's world that the variety of occurrences is outstanding, it is necessary to study languages from this point of view. In present study through reviewing domestic and foreign researches; while taking a brief look at the relationship between language and society, it has been tried to introduce various aspects and topics of sociological researches including bilingualism and multilingualism, linguistic contact, lingua franca, language variations and language planning by as much as possible a simple expression in order to make familiarity and interest, especially for young researchers. The results showed that according to the various aspects of sociolinguistics, research in this field not only contains thematic diversity, but also may lead to surprising and remarkable findings.

Key words: sociolinguistics, linguistic community, language varieties.

¹ Ph.D. in linguistics, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran
n_behmanesh_2011@yahoo.com

مسائل بنیادی در جامعه‌شناسی زبان

ناهید بهمنش^۱

چکیده

جامعه‌شناسی زبان، علم بین‌رشته‌ای حاصل از پیوند زبان‌شناسی و جامعه‌شناسی است که در آن از روش‌های پژوهشی هر دو علم برای مطالعه زبان بهره گرفته می‌شود. جامعه‌شناسی زبان، زبان را به عنوان پدیده‌ای اجتماعی در نظر می‌گیرد. در این رشته، هر زبان در بافت اجتماعی-فرهنگی خود بررسی می‌شود. از آنجا که وقوع رخداد‌های اجتماعی منجر به تأثیراتی روی زبان‌ها می‌شود، در جهان امروز که تنوع رخدادها چشمگیر است، پرداختن به زبان از منظر جامعه‌شناسی زبان امری ضروری است. در مقاله پیش رو تلاش شده، با مروری بر پژوهش‌های داخلی و خارجی در زمینه جامعه‌شناسی زبان، ضمن نگاهی اجمالی به رابطه زبان و جامعه، به جنبه‌ها و موضوعات گوناگون برای پژوهش‌های جامعه‌شناسی زبان شامل دو زبانگی و چندزبانگی، برخورد زبان‌ها، زبان‌های میانجی، تنوعات زبانی و برنامه‌ریزی زبانی پرداخته شود و تا حد امکان با بیانی ساده، زمینه‌آشنایی و ایجاد علاقه برای پژوهشگران؛ به ویژه محققان جوان؛ با این رشته فراهم آید. نتایج پژوهش نشان می‌دهد با توجه به جنبه‌های گوناگون مبحث جامعه‌شناسی زبان، پژوهش در این زمینه علاوه بر تنوع موضوعی، ممکن است نتایج شگفت‌انگیز و قابل ملاحظه‌ای نیز به دست آید.

کلیدواژه‌ها: جامعه‌شناسی زبان، جامعه‌زبانی، تنوعات زبانی

۱- مقدمه

جامعه‌شناسی زبان^۲ علم بین‌رشته‌ای حاصل از پیوند زبان‌شناسی و جامعه‌شناسی است که در آن از روش‌های پژوهشی هر دو علم برای مطالعه زبان بهره گرفته می‌شود. جامعه‌شناسی زبان، عنوانی است که غالباً برای مطالعه اینکه چه کسی با چه کسی، چه وقت، کجا، چگونه و چرا صحبت می‌کند (یا می‌نویسد) به کار می‌رود. به عبارت دیگر، جامعه‌شناسی زبان، مطالعه زبان طبیعی در تمام زمینه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی آن است. بنابراین، از جهات زیادی نسبت به آنچه در دوره‌های متعدد تحصیلی تحت عنوان زبان‌شناسی تدریس می‌شود، با زمینه وسیع‌تری از معرفت سر و کار دارد. به بیان دقیق‌تر، می‌توان گفت

^۱ دانش‌آموخته دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

n_behmanesh_2011@yahoo.com

^۲ Sociolinguistics

که جامعه‌شناسی زبان همان زبان‌شناسی است، ولی از نوعی که روش‌ها، الگوها و نظریه‌های علوم دیگر را نیز به یاری می‌خواند(پراید؛ ۱۳۷۳).

در این نوشتار سعی شده است با مروری اجمالی به مسائل مطرح در جامعه‌شناسی زبان و مبانی نظری آن، زمینه‌های پژوهش در این رشته برای علاقمندان روشن شود.

۲- رابطه زبان و جامعه

زبان به خودی خود در خلا وجود پیدا نمی‌کند و وجود آن به دنیای بی روح منطبق و مجردات بستگی ندارد. مردم حرف می‌زنند و زبان را در تمام فعالیت‌های خود، از تماس‌های بسیار عادی روزمره گرفته تا روشنفکرانه‌ترین نوع استدلال، به کار می‌برند. به عبارت دیگر، زبان قبل از هر چیز، یک پدیده اجتماعی و یکی از ضرورت‌های زندگی اجتماعی است (باطنی، ۱۳۹۳). هنگامی که انسان نخستین دریافت که برای بقاء به تنهایی نمی‌تواند زندگی کند، زندگی اجتماعی شکل گرفت. پس از آن او متوجه شد که برای ایجاد ارتباط مناسب با سایرین نیاز به وسیله‌ای کارآمد دارد. بنابراین در زمانی نامشخص، توجه این موجود باهوش و خلاق به قوه منحصر به فرد ناطقه‌اش جلب شد و رفته رفته با تعیین نشانه‌های آوایی قراردادی توانست کلمات و جملات را تولید و با سایر افراد انسانی ارتباط برقرار نماید و به راحتی خواسته‌ها، نیازها و تخیلاتش را بازگو کند. بر این اساس زبان را نهادی اجتماعی دانسته‌اند که مهم‌ترین نقش آن ایجاد ارتباط است. این فعالیت پیچیده بشری، با تحول اجتماعات بشری و پیچیده‌تر شدن سازمان‌ها و روابط اجتماعی، به عنوان ابزاری با امکانات گوناگون برای برقراری تفاهات اجتماعی و رفع نیازهای ارتباطی در جوامع گوناگون دچار تحول شد و رفته رفته شکل کامل‌تری پیدا کرد. به باور برخی از دانشمندان، تحولات زبان بیشتر متأثر از تحولات اجتماعی است تا تحولات زیستی. آنان معتقدند زبان هم راستا با تحولات و دگرگونی‌های اجتماعی نظیر پیشرفت‌های علمی، انقلاب‌های اجتماعی، برخوردهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، مهاجرت‌ها، جنگ‌ها و نظایر آن دچار تغییر می‌شود با این تفاوت که سرعت تحولات زبانی کمتر از سرعت تحولات اجتماعی است. ضمن آن که گفتار نسبت به نوشتار با سرعت بیشتری تحول می‌یابد و بنابراین تحولات اجتماعی- فرهنگی در گونه گفتاری زودتر بازتاب می‌کند تا گونه نوشتاری (مدرسی، ۱۳۹۱). پس زبان به عنوان نهاد اجتماعی دارای ثبات نسبی است تا بتواند نقش ارتباطی خود را به صورت مطلوب انجام دهد و از طرفی در جهت تحول جامعه به مرور دستخوش تغییر می‌شود تا بتواند به عنوان ابزار ارتباطی، نیازهای ارتباطی تازه در جامعه را پاسخگو باشد.

زبان صرفاً وسیله تبادل اطلاعات در باره هوا یا موضوعات دیگر نیست بلکه وسیله مهم برقراری و حفظ رابطه با مردم نیز محسوب می‌شود. لهجه و گفتارمان معمولاً نشان می‌دهد که اهل کجا هستیم و چه پیشینه‌ای داریم. حتی ممکن است بدین طریق قرائنی در مورد برخی از افکار و طرز تلقی‌های خود به دست دهیم (ترادگیل؛ ۱۳۷۶).

¹ Pride, J.

² Trudgill, P.

این دو جنبه از رفتار زبانی-یعنی اول کارکرد زبان در برقراری روابط اجتماعی و دوم نقش زبان در مورد متکلم - از نظر اجتماعی واجد اهمیت شایانی است. هر دو جنبه رفتار زبانی بازتاب‌هایی از این واقعیت است که بین زبان و جامعه، همبستگی نزدیکی وجود دارد (ترادگیل؛ ۱۳۷۶). فرکلاف^۱ زبان‌شناس نقاد، معتقد است «پدیده زبانی همواره یک پدیده اجتماعی است، به این معنا که هرگاه، مردم سخن می‌گویند، می‌شنوند، می‌نویسند یا می‌خوانند، آنها این همه را به طرقتی انجام می‌دهند که به طور اجتماعی تعیین شده است و متأثر از جامعه است، چرا که زبان قرارداد اجتماعی است. افراد حتی وقتی از تنهایی خود مطمئن هستند و نزد خود به فکر کردن مشغولند، به شدت متأثر از جامعه‌اند، زیرا آنها هنوز هم از زبان بهره می‌گیرند. از طرفی افراد هنگامی که در خصوصی‌ترین شرایط - مثلاً در روابط خویشاوندی - از زبان استفاده می‌کنند، نه تنها به واسطه روابط خویشاوندی در وضعیت اجتماعی تعیین شده به سر می‌برند، بلکه متقابلاً اثر اجتماعی نیز دارند، چرا که در همان زمان موجب استمرار آن روابط می‌شوند. پس پدیده اجتماعی نیز یک پدیده زبانی است. به این معنا که آن فعالیت زبانی که در زمینه اجتماعی خاصی رخ می‌دهد، صرفاً بیان یا بازتابی از فرآیندهای اجتماعی نیست، بلکه خود بخشی از آن فرآیند است» (فرکلاف، ۱۹۹۱: ۲۳).

خصلت اجتماعی زبان آن را با بسیاری از پدیده‌ها، روندها و عوامل اجتماعی - فرهنگی پیوند می‌دهد. این همبستگی یا پیوستگی به حدی است که برخی زبان را و به عبارتی واژگان زبان را آینه‌ای دانسته‌اند که پدیده‌ها و دگرگونی‌های مختلف اجتماعی - فرهنگی جامعه را به نوعی در خود منعکس می‌سازد. از سوی دیگر، برخی معتقدند که زبان و ساختمان و مقولات آن بر اندیشه، معرفت و شناخت انسان از دنیای خارج اثر می‌گذارد. البته می‌توان به طور کلی میان زبان و جامعه رابطه‌ای دو جانبه قائل شد؛ اما مطابق نظر بیشتر زبان‌شناسان، تاثیر جامعه و تحولات آن بر زبان مشهودتر و قابل ملاحظه‌تر است (مدرسی، ۱۳۹۱).

۳- جامعه زبانی

جامعه زبانی^۲ مفهومی است که برای آن تعریف معین و دقیقی ارائه نشده است. در این بخش به برخی از تعاریف مهم اشاره خواهد شد. بلومفیلد^۳ (۱۹۹۳) جامعه زبانی را شامل گروهی از مردم می‌داند که از طریق گفتار با یکدیگر ارتباط متقابل برقرار می‌کنند. او در تعریف خود بر معیار ارتباط تأکید داشته و معتقد است تفاوت‌های موجود در سطح یک جامعه زبانی اعم از فردی و گروهی نمی‌تواند مانع از ایجاد ارتباط میان سخنگویان یک زبان شود. هاکت تعریف دیگری از جامعه زبانی ارائه داده است مبنی بر این که تمامی افرادی که از طریق یک زبان مشترک با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند، یک جامعه زبانی را تشکیل می‌دهند. بر اساس این تعریف مرزبندی دقیق میان جامعه‌های زبانی دشوار است. برای مثال افراد دو زبانه و چند زبانه در یک جامعه که به هر دو زبان و یا هر چند زبان تسلط کامل دارند را نمی‌توان تنها عضو یک جامعه زبانی محسوب کرد. از طرفی معمولاً مرزهای سیاسی و مرزهای جامعه‌های زبانی بر هم منطبق نیستند و

¹ Trudgill, P.

² Fairclough, N.

³ linguistic community

⁴ Bloomfield, L.

گاهی در داخل یک کشور واحد یک یا چند جامعه زبانی وجود دارد و گاهی نیز دامنه کاربرد یک زبان واحد به قلمرو سایر کشورها کشیده می‌شود. به اعتقاد مدرسی، لاینز تعریف کلی‌تری از جامعه زبانی ارائه داده است یعنی «جامعه زبانی عبارت است از همه افرادی که از یک زبان یا گویش معین استفاده می‌کنند». بنابراین بر اساس این تعریف همه افرادی که در مناطق مختلف جهان زندگی می‌کنند و هیچ گونه ارتباطی با هم ندارند؛ اما از یک زبان مشترک استفاده می‌کنند را می‌توان اعضای یک جامعه زبانی واحد به حساب آورد. باید توجه نمود که مفهوم جامعه زبانی و جامعه گفتاری متفاوت از هم هستند. در کل جامعه زبانی مفهومی کلی‌تر دارد و می‌تواند شامل یک یا چند جامعه گفتاری باشد. مدرسی با اشاره به تعاریف مختلفی که از جامعه زبانی در کتاب خود مطرح کرده است یک تعریف جامع ارائه نموده است یعنی «گروهی از افراد که معمولاً در یک منطقه جغرافیایی پیوسته زندگی می‌کنند و دارای همبستگی‌های فرهنگی، اجتماعی، روانی و تاریخی هستند و از یک زبان مشترک (با تنوعات جغرافیایی و اجتماعی درونی) برای ارتباط با یکدیگر استفاده می‌کنند، یک جامعه زبانی را تشکیل می‌دهند. هر جامعه زبانی بر حسب تنوعات محلی و اجتماعی درونی آن، می‌تواند به یک یا چند جامعه گفتاری تقسیم گردد (مدرسی، ۱۳۹۱).

۴- جامعه‌شناس زبان

جامعه‌شناس زبان در پی آن است که نظام زبان چگونه در یک جامعه پویا و پیچیده به کار می‌رود. او به روابط پیچیده میان گوناگونی زبان و گوناگونی گروه‌های اجتماعی یک جامعه زبانی توجه می‌کند و در پی پاسخ به پرسش‌هایی از این قبیل است که چرا در یک گروه اجتماعی، افراد برای بیان مطلبی از واژه‌ها و سازه‌های ویژه‌ای بهره می‌گیرند؛ اما در گروهی دیگر از همان جامعه زبانی، برای بیان همان مطلب از واژه‌ها و سازه‌های دیگر استفاده می‌کنند؟ در سطح خرد، جامعه‌شناس زبان به بررسی رابطه میان الگوهای زبانی و رفتارهای اجتماعی می‌پردازد. برای مثال چگونه اعضاء یک جامعه زبانی قادر به شناسایی تفاوت‌های دستوری گونه‌های جامعه خود هستند و یا آنها چگونه می‌توانند بر مبنای تفاوت‌های آوایی واژه‌ای و نحوی طرف گفتگوی خود، درباره سطح تحصیلات، طبقه اجتماعی یا وضعیت اقتصادی او داوری کنند؟ در سطح کلان، یک جامعه‌شناس زبان در جستجوی بررسی زبان در برابر پدیده‌های فرهنگی-اجتماعی است. برای مثال چرا برخی مهاجران به یک کشور جدید، زبان مادری خود را پس از مدتی از دست می‌دهند؟ یا به چه دلیل گویشوران برخی گونه‌های زبانی، صاحب قدرت اجتماعی و صاحب نفوذ هستند؟ به طور کلی جامعه‌شناسان یا در پی بررسی تأثیر رفتارهای اجتماعی روی الگوهای زبانی هستند و یا نقش زبان بر روی پدیده‌های اجتماعی را بررسی می‌کنند (ضیاء حسینی، ۱۳۸۸).

۵- جنبه‌های گوناگون برای پژوهش‌های جامعه‌شناسی زبان

۵-۱- دو زبانی و چند زبانی

دو زبانی و چند زبانی از مباحث درخور توجه و پیچیده محسوب می‌شوند. فرد دو زبانه کسی است که به دو زبان در حدی تسلط دارد که می‌تواند یکی از آنها را بر حسب ضرورت و به تناوب به جای دیگری در عمل مورد استفاده قرار دهد. در سطح اجتماعی جامعه‌ای که در آن دو یا چند زبان رواج دارد و یا جامعه‌ای که در آن دو یا چند زبان جنبه رسمی دارد را جامعه دو زبانه و یا جامعه چند زبانه گویند. (مدرسی، ۱۳۹۱).

پدیده‌های دو زبانی و چند زبانی را به لحاظ جامعه شناسی زبان می‌توان از جنبه‌های اهمیت اجتماعی دوزبانی، چگونگی دستیابی به مهارت دوزبانی و چندزبانی، سن مناسب یا مدت زمان لازم برای دوزبانی و چندزبانی، بررسی مهارت‌های زبانی دوزبانه‌ها یا چندزبانه‌ها یعنی خواندن و نوشتن و گفتن و شنیدن، نقش‌های هر زبان برای یک فرد دوزبانه یا چندزبانه (برای مثال آیا قادر به خواندن مطلب به هر دو زبان است و یا فقط به یک زبان می‌تواند مطلب بخواند؟)، موقعیت و قلمرو استفاده از هر زبان توسط دو زبانه یا چند زبانه، کاربرد زبان‌ها و ارزش و اعتبار آنها، دو زبانی همپایه (مانند کودکی که زبان فارسی را از پدر و زبان انگلیسی را از مادر می‌آموزد و دوزبانی ناهمپایه (ابتدا یک زبان آموخته می‌شود و سپس زبان دوم آموخته می‌شود)، تغییر زبان و تعویض کد، قرض‌گیری‌های زبانی، زبان‌های میانجی، مهاجرت و شهرگرایی و مسائلی از این دست مورد بررسی قرار داد. با بررسی پژوهش‌های داخلی به نظر در کشور ما علیرغم تنوع گویشی کار چندانی در خصوص دو زبانی و چندزبانی صورت نگرفته است. از معدود پژوهش‌های مرتبط در این زمینه پژوهش سعیدی و آریان پویا (۱۳۹۴) است که با بررسی تاثیر متغیرهای بافت وقوع گفتار، سن و جنسیت بر میزان رمزگردانی گویشوران دوزبانه ترکی-فارسی بر روی چهل (۴۰) آزمودنی در دو گروه سنی ۲۰-۴۰ و ۴۰-۷۰ سال و دو گروه جنسیتی زنان و مردان، طی روش نمونه‌گیری تصادفی و با استفاده از روش ضبط گفتار طبیعی آزمودنی‌ها، در دو بافت خانواده و محل کار نتیجه گرفته‌اند که افراد در بافت خانواده نسبت به محل کار، بیشتر از رمزگردانی درون جمله‌ای استفاده می‌کنند، اما میزان استفاده آنان از رمزگردانی بین جمله‌ای در دو بافت خانواده و محل کار تقریباً مشابه است؛ به بیان دیگر، افراد به طور متوسط، ۸۳ درصد بیشتر در بافت خانواده نسبت به محل کار از رمزگردانی درون جمله‌ای استفاده می‌کنند. همچنین جنسیت بر میزان استفاده از رمزگردانی اثر معناداری ندارد، کاظمی و فهیم‌نیا (۱۴۰۰) به مطالعه زبان و جنسیت در زنان دو زبانه ترکی-فارسی از منظر زبان‌شناسی اجتماعی پرداخته و ضمن بیان تفاوت در گفتار زنان و مردان، چالش‌ها و مشکلات زبانی زنان دو زبانه ترکی-فارسی را بررسی کرده‌اند.

۵-۲- برخورد زبان‌ها

برخورد زبانی را به طور کل تماس دو زبان و تأثیرگذاری آنها بر یکدیگر تعبیر کرده‌اند. قرض‌گیری زبانی، تداخل زبانی، همگرایی زبانی، زبان‌های میانجی، زبان‌های آمیخته و دوزبانی از نتایج برخورد زبانی است. در برخورد زبانی گاه عناصر زبانی میان دو زبان تبادل می‌شود و قرض‌گیری روی می‌دهد؛ گاه یک زبان

¹ linguistic contact

به دلایلی حذف خواهد شد؛ گاه هم زبان جدیدی از برخورد دو زبان حاصل می‌شود و گاه ضمن حفظ قرض‌گیری‌های انجام شده در یکی از دو زبان، زبان دیگر حذف می‌شود. معمول‌ترین رخداد در برخورد زبانی، همان قرض‌گیری زبانی است که می‌تواند به صورت واژگانی، واجی، دستوری و یک‌طرفه یا دوطرفه و مستقیم یا غیرمستقیم باشد. از این میان قرض‌گیری واژگانی یک‌طرفه مستقیم، احتمال رخدادش بیشتر است. برای قرض‌گیری‌های زبانی دلایل متعددی وجود دارد که پژوهش در زمینه آن می‌تواند به نتایج جالبی منجر گردد (مدرسی، ۱۳۹۱).

۵-۳- زبان‌های میانجی

هنگامی که دو یا چند جامعه زبانی به دلایل فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در سطح یک کشور یا در سطح بین‌المللی با یکدیگر برخورد می‌کنند نیازهای ارتباطی کاربران، آنان را ملزم به استفاده از زبان‌های میانجی می‌کند. زبان میانجی^۱ ممکن است یکی از زبان‌های طبیعی مانند انگلیسی و یا یک زبان ساختگی مانند اسپرانتو باشد. امروزه زبان‌های انگلیسی، آلمانی و فرانسه به واسطه اعتبار علمی، سیاسی و فرهنگی در سطح بین‌الملل به عنوان زبان میانجی مطرح هستند. در سطح یک کشور چند زبانه نیز معمولاً گویشوران زبان با یکی از زبان‌های بومی که به لحاظ اعتبار اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بالاتر است؛ به عنوان زبان میانجی ارتباط برقرار می‌کنند. علاقمندان به پژوهش در زمینه زبان‌های میانجی در دامنه گسترده‌ای شامل عوامل انتخاب یک زبان به عنوان زبان میانجی یا زبان‌های آمیخته مانند انواع پی‌جین‌ها و کریول‌ها^۲ و پیش‌بینی اعتبار و ارزش آنها در آینده و مسائلی از این قبیل می‌توانند فعالیت و تخصص نمایند.

۵-۴- تنوعات زبانی

هر زبان دارای تنوع و گوناگونی درونی و گونه‌های فردی محلی و اجتماعی متفاوتی است که توسط افراد و گروه‌های اجتماعی در مناطق مختلف جغرافیایی و یا در موقعیت‌های متفاوت اجتماعی به کار گرفته می‌شود. در واقع هر زبان مجموعه‌ای است از گونه‌های فردی، اجتماعی و جغرافیایی. عواملی مانند عامل جغرافیایی یا عوامل اجتماعی نظیر سن، میزان تحصیلات، طبقه اجتماعی، جنسیت، شغل، نژاد، مذهب و نظایر آن می‌توانند در پیدایش تنوعات زبانی و استفاده از گونه‌های سبکی متفاوت و رفتار زبانی متفاوت نقش داشته باشند. گونه‌های زبانی به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند:

الف) گونه‌هایی که برای گوینده ثابت و غیر قابل تغییرند و با عوض شدن شرایط کاربردی تغییر نمی‌کنند. این دسته شامل گونه شخصی و گویشی (گویش زمانی، جغرافیایی و اجتماعی) است.

ب) گونه‌هایی که برای متکلم ثابت نیستند و با تغییر شرایط کاربردی گوینده به انتصاب جدیدی از گونه‌ها دست می‌زنند. این دسته شامل سیاق، سبک و رسانه است. (زندى، ۱۳۹۴)

^۱ lingua franca

^۲ pidgin

^۳ creole

هدایت (۱۳۸۴) با بررسی تأثیر جنسیت به عنوان عاملی اجتماعی بر نوع مستقیم یا غیر مستقیم بودن نحوه بیان تقاضای مردان و زنان دریافت که زنان به نحوه بیان درخواست‌های‌شان، به ویژه در موقعیت‌های رسمی و اجتماعی، بیش از مردان توجه نشان می‌دهند. نتایج بررسی‌های او نشان داد که زنان در این نوع رفتار کلامی، رسمی‌تر و محافظه‌کارانه‌تر از مردان عمل می‌کنند و این مسأله را تا حدی می‌توان با رعایت ادب اجتماعی آنان در گفتار مرتبط دانست. اعتضادی و علمدار (۱۳۸۷) با مطالعه خرده فرهنگ دختران جوان، نتیجه گرفتند که دختران، جهت پنهان نگهداشتن افکار و عقاید خود و هم‌چنین به دلیل قبح استفاده صریح از برخی لغات در چارچوب هنجارها، آداب و رسوم و فضای جامعه، به سوی استفاده از زبان مخفی گرایش پیدا می‌کنند. کاظمی و ارمغانی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای به بررسی ارزش‌های فرهنگی-اجتماعی بر اساس طبقه‌بندی چنگ (۱۹۹۴) در بیلبوردهای تبلیغاتی تهران و لندن پرداختند. نتایج نشان داده است که ارزش‌های ادب، پاکیزگی، احترام به سالمندان، تکنولوژی و کار صرفاً در بیلبوردهای تهران و ارزش‌های فرهنگی فراغت، خرد و مهرورزی صرفاً در بیلبوردهای لندن کاربرد داشته‌اند. افزون بر آن ارزش‌های فرهنگی آسودگی و کیفیت بیشترین تفاوت را به لحاظ بسامد وقوع در بیلبوردهای این دو جامعه زبانی نشان می‌دهند. وجود تفاوت در انواع ارزش‌های فرهنگی و میزان کاربرد آنها بازتاب تفاوت‌های فرهنگی دو جامعه زبانی تهران و لندن است. آگهی‌های بازرگانی نقش به‌سزایی در بازنمایی نکات فرهنگی موجود و ترویج و اشاعه نکات فرهنگی جدید دارند. یعنی هم ابزار خوانش فرهنگ و هم فرهنگ‌ساز هستند. بیرون راه و کاظمی (۱۳۹۷) نشان می‌دهند که ادب و قدرت تابع ساختار اجتماعی و مدیون باورها، افکار عمومی و انتظارات متفاوت جامعه از مردان و زنان است. در اکثر جوامع زنان در مقایسه با مردان حساسیت بیشتری به جایگاه اجتماعی افراد نشان می‌دهند و آگاهی بیشتری از مشخصه‌های اجتماعی گونه‌های مختلف زبان دارند. کاظمی و دالایی (۲۰۱۷) در مقاله‌ای گفتمان جنسیتی مردان و زنان را در دو رمان (طعم گس خرمالو و یک روز مانده به عید پاک) مورد مطالعه قرار داده‌اند. آنها به بررسی رابطه قدرت زبانی و جنسیت در گفتمان شخصیت‌های داستان پرداختند و نشان دادند که زنان و مردان در چه موقعیت‌هایی ضعف کلامی خود را آشکار یا ابراز می‌کنند و قدرت و سلطه زبانی در شخصیت‌های اصلی داستان در کدام یک از جنسیت‌ها بیشتر مشهود است. هاس^۱ (۱۹۶۴)، با بررسی زبان کوسانی و تفاوت میان صرف فعل توسط دو جنس در یک بافت خاص دریافت که در این زبان گویشور مرد هنگام صرف فعل به انتهای هجای آخر کلمات، همخوان /S/ را می‌افزاید، در حالی که در این جامعه زبانی رفتار زبانی زنان، محافظه‌کارانه است و نشانگر بافت قدیمی است. در مطالعه دیگری که توسط یسپرسن^۲ (۱۹۶۴) انجام شد، تفاوت موجود در گفتار زنان و مردان در زبان زولو را ناشی از تابو دانسته است که به زن اجازه داده نمی‌شود که نام پدر همسر یا برادر همسر را به زبان بیاورد و لذا باید از واژه‌های دیگری که معنای مشابه دارد، استفاده کند. حتی در گفتار یک گوینده واحد نیز برحسب موقعیت اجتماعی ارتباط، تنوعات زیادی وجود دارد.

¹ Haas, M.R.

² Jespersen, O.

از دیدگاه زبان‌شناسی مانند لباو (۱۹۷۲)، بررسی زبان در بافت اجتماعی آن در واقع موضوع اصلی علم زبان‌شناسی است. به بیان دیگر، مطالعه و توصیف زبان، یعنی موضوع اصلی زبان‌شناسی باید در بافت اجتماعی آن انجام گیرد و به واسطه خصلت اجتماعی زبان نمی‌توان بدون توجه به متغیرهای اجتماعی گوناگون به بررسی کامل آن پرداخت. در واقع میان ساخت زبان و ساخت جامعه و روندها و متغیرهای زبانی و اجتماعی، رابطه‌ای نزدیک و تنگاتنگ وجود دارد و مطالعه زبان جدا از بافت اجتماعی آن، نمی‌تواند به توصیف همه جانبه و واقع‌گرایانه آن منجر گردد. بر این اساس او در مطالعه‌ای که در مورد تفاوت‌های تلفظی کارکنان سه فروشگاه در سه محل مختلف در شهر نیویورک با وضعیت اجتماعی بالا، متوسط و پایین انجام داد، نشان داد که برخی از ویژگی‌ها مثل تلفظ ۲ پس از واکه در رفتار زبانی طبقات اجتماعی بالا بیشتر تظاهر می‌کند.

۵-۵- برنامه‌ریزی زبان

اصطلاح برنامه‌ریزی زبان نخستین بار از سوی واین رایش در ۱۹۵۷ مطرح گردید. برنامه‌ریزی زبان فعالیتی است سازمان یافته که معمولاً توسط موسسات رسمی برنامه‌ریزی زبان در جهت ایجاد تغییرات آگاهانه در ساخت و یا کاربرد زبان (گفتاری یا نوشتاری) انجام می‌گیرد. مسائل مورد توجه در برنامه‌ریزی زبان شامل خلق واژگان برای بیان مفاهیم جدید، هدایت شیوه نگارش و مسائلی از این قبیل است که توفیق کارگزاران آن مرهون توجه همه جانبه به ویژگی‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، تاریخی و نظایر آن و همچنین مرهون نگرش نویسندگان، مترجمان، روشنفکران، متخصصان، اندیشمندان و حتی افراد عادی است (مدرسی، ۱۳۹۱). گسترش ارتباطات از طریق فضای مجازی به نظر فرصت‌های پژوهشی فراوانی در زمینه برنامه‌ریزی زبان را می‌تواند در اختیار پژوهشگران علاقمند قرار دهد. برای نمونه عاصی و مسگر خویی (۱۳۸۹) با بررسی ویژگی‌های زبانی وب‌نوشت‌های فارسی نشان دادند که ادامه روند وبلاگ نویسی و گسترش فزاینده آن، به خصوص در بین نسل جوان امروزی و نسل‌های آتی و استفاده از نوع خاصی از زبان در این وبلاگ‌ها ممکن است تأثیرات قابل توجهی در تغییر زبان فارسی، به خصوص نوشتار رسمی و خط زبان فارسی و از سوی دیگر جهانی کردن این زبان بگذارد.

۶- مروری بر تعدادی از پژوهش‌های داخلی

کاظمی (۱۳۹۰) تفاوت‌های موجود در کلام زنان و مردان را بررسی و با ذکر مواردی تفاوت‌ها و تناقض‌ها را در خصوص زبان و جنسیت نشان داد. طالبی دستنایی و خوشبخت آرانی (۱۳۹۵) با بررسی و طبقه‌بندی انواع دشواژه‌ها یا تابوهای زبانی در گویش آران و بیدگل اصفهان و سنجش تفاوت کاربرد آن‌ها بر حسب متغیرهای اجتماعی سن و جنس در محیط تک‌جنسیتی و محیط مختلط نشان دادند که مردان بیشتر از زنان و افراد مجرد بیشتر از افراد متأهل از دشواژه‌ها استفاده می‌کنند. همچنین، با افزایش سن، میزان استفاده از دشواژه‌ها کاهش می‌یابد. هدایت و کاظمی (۲۰۱۸) به بررسی ادب در گفتار کارمند-ارباب رجوع از دیدگاه اجتماعی پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که در گفتار بررسی شده کارمند-ارباب

¹ Labov, W.

رجوع‌ها، قطع گفتار ۳۵ مورد، نگه داشتن مشتری در انتظار ۱۲ مورد، صحبت و جملات مبهم ۲۱ مورد اما توجه کافی به گفتمان مشتری تنها ۳۸ مورد مشاهده شد. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که مراجعین انتظار دارند وجهه آنها حفظ شود و کارمندان باید راهکارهای ادب و حفظ وجهه را در قالب وجهه مثبت و منفی مراعات کنند تا تأثیر بیشتر و بهتری بر مراجعان داشته باشند. این پژوهش نشان می‌دهد شاید ما تا این حد فکر نکرده‌ایم که باید بنا به ضرورت حرف بزنیم و این ضرورت را باید در بافت مناسب گفتار در جامعه پیدا کنیم. مقداری و همکاران (۱۳۹۷) با تحلیل‌های کمی و محتوایی لالایی‌های گویش قاین از منظر جامعه شناسی زبان، نشان دادند که مادران از طریق لالایی، مفاهیم فرهنگی و آموزه‌های اجتماعی را به کودکان منتقل و شخصیت‌های تأثیرگذار مکتبی را معرفی می‌کنند و همچنین بدینوسیله موقعیت اقتصادی- فرهنگی منطقه و دردهای خود را بازگو می‌کنند. هرچند که به نظر محققان یاد شده سن، موقعیت اجتماعی و تحصیلات مادران در انتخاب لالایی برای دختر یا پسر تأثیرگذار است. حیدرپور میمه و واعظی (۱۳۹۸) در پژوهش خود نشان دادند که گویش‌های گیلکی نواحی مختلف جغرافیایی (شرقی و غربی) تفاوت‌هایی دارند. بر اساس نتایج حاصل از پژوهش یاد شده در نواحی مختلف جغرافیایی، تنوعات گویشی به لحاظ آوایی، دستوری و نحوی مشاهده می‌شود و ناحیه جغرافیایی به عنوان یکی از متغیرهای غیر زبانی سبب گوناگونی گویشی می‌شود؛ اما زبان فارسی در مقام زبان معیار و زبان غالب در جامعه بر تنوعات گویشی تأثیر بسزایی دارد. واخیده و همکاران (۱۴۰۰) بر اساس دستورالعمل یونسکو در سال ۲۰۰۳ برای برآورد حیات زبان‌ها و میزان در معرض خطر بودن آنها به بررسی وضعیت حیات زبانی مازندرانی و برآورد نقاط ضعف و قوت آن با به‌کارگیری شیوه‌های دستورالعمل یاد شده پرداختند. آنان نتیجه گرفتند مازندرانی که از زبان‌های ایرانی کرانه جنوبی دریای کاسپین است و حدود ۳ میلیون گویشور دارد، همانند دیگر زبان‌ها و گویش‌های محلی و منطقه‌ای ایران به دلایلی که تا حدودی در مقاله خود به آنها پرداختند، در حال از دست دادن گویشوران خود است، افتخاری و کاظمی (۱۴۰۱) در پژوهشی به بررسی اصطلاحات خویشاوندی نسبی و سببی در گویش لری خرم‌آباد پرداختند و نشان دادند که این اصطلاحات از فرهنگ، جغرافیا، جنسیت و فاکتورهای جامعه‌شناختی همچون معیارهای قومی و سوی خویشاوندی تأثیر پذیرفته و شکل می‌گیرند.

با مرور پژوهش‌های داخلی در زمینه جامعه‌شناسی زبان می‌توان دریافت با توجه به تنوع فرهنگی، قومی و تنوع زبانی و گویشی در کشور ما و پیشینه دیرینه تاریخی و تحولات رخ داده در آن، مسائل و موضوعات بیشماری برای تحقیق و تفحص در این حیطه فراروی پژوهشگران دغدغه‌مند وجود دارد.

۷- نتیجه‌گیری

زبان نهادی اجتماعی است که مهم‌ترین نقش آن ایجاد ارتباط است. با تحول اجتماعات بشری، زبان به عنوان یک ابزار دارای امکانات گوناگون برای برقراری تفاهمات اجتماعی و رفع نیازهای ارتباطی دچار تحول می‌شود. با توجه به پیشرفت تکنولوژی و امکان ارتباط سهل‌تر افراد با یکدیگر و همچنین با عنایت

به رخدادهای اجتماعی گوناگون در جهان امروز نظیر فزونی پدیده مهاجرت، به نظر تغییرات زبانی و برخی از مسائل حاصل از این تغییرات زبانی اجتناب ناپذیر خواهد بود. با توجه به آن که بر اساس بررسی‌های انجام شده در این پژوهش مروری، در کشور ما تحقیقات چندان زیادی در زمینه جامعه‌شناسی زبان صورت نگرفته است، پژوهش در این حیطه می‌تواند فرصت‌های خوبی را در اختیار پژوهشگران زبان و برنامه‌ریزان زبان قرار دهد. بر این اساس بررسی و پژوهش زبان از منظر جامعه‌شناسی زبان با توجه به جنبه‌های گوناگون مباحث آن و تنوع موضوعی، می‌تواند به نتایج شگفت‌انگیز و قابل ملاحظه‌ای برسد و احتمالاً از برخی مسائل گره‌گشایی کند.

منابع

- اعضادای، شیدا و فاطمه سادات علمدار (۱۳۸۷). «تحلیل جامعه‌شناختی زبان مخفی در بین دختران»، *مطالعات راهبردی زبان*، ۱۱(۴۱): ۶۵-۹۶.
- افتخاری، حمید و فروغ کاظمی (۱۴۰۱). «بررسی اصطلاحات خویشاوندی در لری خرم‌آباد: رویکردی زیست‌محیطی-رده‌شناختی»، *مجله علمی پژوهشی زبان‌شناسی و گویش‌های ایرانی*، ۷(۱): ۴۱-۶۳.
- باطنی، محمد رضا (۱۳۹۳). *پیرامون زبان و زبان‌شناسی*، تهران: نشر آگه.
- بیرون راه، بهناز و فروغ کاظمی (۱۳۹۷). «بازنمایی تاثیر قدرت و ادب کلامی بر کاربرد واژه‌های خطاب در گفتار زنان و مردان از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی»، *فصلنامه پازند*، ۱۴(۵۲): ۵-۲۴.
- پراید، جان برنارد (۱۳۷۳). *جامعه‌شناسی یادگیری و تدریس زبان*، ترجمه سید اکبر میر حسینی، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ترادگیل، پیتر (۱۳۷۶). *زبان‌شناسی اجتماعی درآمدی بر زبان و جامعه*، ترجمه محمد طباطبایی، تهران: نشر آگه.
- حیدرپور میمه، مرجان و هنگامه واعظی (۱۳۹۸). «بررسی جامعه‌شناختی تنوع گویش گیلکی در مقایسه با زبان فارسی»، *مطالعات نقد زبانی و ادبی*، ۳(۹): ۱۱۷-۱۴۰.
- زندى، بهمن (۱۳۹۴). *روش تدریس زبان فارسی*. تهران: انتشارات سمت.
- سعیدی، زری و مهسا آریان پویا (۱۳۹۴). «تحلیلی بر فرایند رمزگردانی در گویشوران دوزبانه از منظر متغیرهای بافت وقوع گفتار، سن و جنسیت»، *علم زبان*، ۳(۵): ۱۴۱-۱۶۳.
- ضیاء حسینی، محمد (۱۳۸۸). *مبانی زبان‌شناسی*. تهران: نشر رهنما.
- طالبی دستنایی، مهناز و ابوالفضل خوشبخت آرانی (۱۳۹۵). «تأثیر متغیرهای جامعه‌شناختی زبان بر کاربرد دشواژه‌ها در گویش آران و بیدگل»، *زبان‌شناسی اجتماعی*، ۱(۱): ۷۵-۸۶.
- عاصی، سیدمصطفی و مریم مسگر خویی (۱۳۸۹). «سبک‌شناسی وبلاگ‌نویسی به زبان فارسی»، *زبان‌شناخت*، ۱(۲): ۸۷-۹۸.
- کاظمی، فروغ (۱۳۹۰). *زبان زنان، فصلنامه پازند*، شماره ۲۵-۲۴، ۱۰۱-۱۱۶.

کاظمی، فروغ و مریم ارمغانی (۱۳۹۴). «بررسی تطبیقی زبان تبلیغات در بیلبوردهای تهران و لندن از منظر ارزش‌های فرهنگی»، *مجله علمی-پژوهشی زبان و زبان‌شناسی، انجمن زبان‌شناسی ایران*، دوره ۱۱ (۳۱): ۲۵-۵۲.

کاظمی، فروغ و میترا فهیم‌نیا (۱۴۰۰). «گفتار زنان دو زبانه فارسی-ترکی در شهر تهران: نگاهی به چالش‌ها و عوامل فرهنگی»، *دهمین کنفرانس بین‌المللی مطالعات زبان، ادبیات، فرهنگ و تاریخ، دانشگاه جورجیا گرجستان*.

مدرسی، یحیی (۱۳۹۱). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. مقداری، صدیقه سادات؛ طالبی، الهه و جلیل اله فاروقی (۱۳۹۷). «تحلیل لایه‌های گویش قاین از منظر جامعه‌شناسی زبان»، *زبان فارسی و گویش‌های ایرانی*، ۳ (۶): ۱۲۷-۱۴۸.

واخیده، محمد؛ دانای طوس، مریم و محمد امین صراحی (۱۴۰۰). «بررسی وضعیت حیات زبانی مازندرانی در مناطق شهری»، *زبان فارسی و گویش‌های ایرانی*، ۶ (۱۱): ۱۷۳-۱۹۵. هدایت، ندا (۱۳۸۴) «تأثیر جنسیت بر نحوه بیان تقاضا (پژوهشی در حوزه جامعه‌شناسی زبان)»، *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، ۱ (۳): ۴۰-۱۷.

Asi, M. and M. Mesgar Khui (2011). "Stylistics of Web Writing in Persian", *Language Studies*, 1(2): 87-98. (In Persian).

Batani, M.R. (2014). *About Language and Linguistics*, Tehran: Agah. (In Persian).

Birounrah, B. and F. Kazemi (2018). "The Effect of Verbal Politeness and Power On the Choice of Address Terms: A Sociolinguistics Approach", *Pazand*, 14 (52): 5-24. (In Persian).

Bloomfield, L. (1933), *Language*, New York: Holt, Rinehart and Javanovic.

Etezadi, SH . and F.S. Alamdar (2008). "A Sociological Analysis of Secret Language Among Girls", *Women's Strategic Studeies*, 11(41): 65-96. (In Persian).

Eftekhari, H. and F. Kazemi (2022). "The Study of Kinship Terminology in Language Variety of Lori Khoramabad: An Ecological-Typological Approach", *Journal of Iranian language and linguistics*, 7 (1): 41-63. (In Persian).

Fairclough, N. (1991). *Language and Power*, London: Longman .

Haas, M. R. (1964). "Men's and Women's Speech in Koasati", *Hymes*, 228-233.

Hedayat, K. and F. Kazemi (2018). "The Role of Politeness in the Employee-Client Speech Interactions", *Journal of Theory and Practice in Language Studies*, 8(1): 100-104.

Hedayat, N. (2005). "Gender Impact on Manner of Stating Request (a

- Research in the Field of Sociology of Language)", *Research in Persian Language & Literature*, 3(1): 17-40.
- Heydarpour Meymeh, M. and H. Vaezi(2005). "Sociological Study of Gilki Dialect Diversity Compared to Persian Language)", *Linguistic and Literary Criticism Studies*, 9(3): 117-140.
- Hockett, C., (1958). *A Course in Modern Linguistics*, Newyork: Macmillan.
- Jespersion, O. (1964). *Language its Nature Development and /Origin*, NewYork: Norton.
- Kazemi, F. and M. Armaghani (2015). "A Comparative Study of English and Persian Billboards from the Perspective of Cultural Values", *Linguistics Society of Iran*, 11(21): 25-52. (In Persian).
- Kazemi, F. and Dalae, Sh. (2017). "The Study of Gender Discourse in Zoya Pirzad Novels", *Journal of Advances in Linguistics*, 8(1): 1225-1228.
- Kazemi, F. and M. Fahimnia (2022). "The Speech of Persian-Turkish Bilingual Women in Tehran: A Look at the Challenges and Cultural Factors", <https://civilica.com/doc/1438199>. (In Persian).
- Kazemi, F. (2012). "Women's Language", *Journal of Pazand*, 7(24): 101. (In Persian).
- Labov, W. (1972). *Sociolinguistic Patterns*, Philadelphia: University of Pennsylvania Press .
- Meghdari , S.; Talebi, E. and J. Faroughi (2019). "Sociolinguistic Analysis of Lullabies in Qa`ini Dielect", *Persian Language and Linguistics*, 3(6): 127- 148. (In Persian).
- Modarresi, Y. (2008). *An Introduction to Sociolinguistics*, Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. (In Persian).
- Pride, J.B. (1994). *Sociolinguistic Aspects of Language Learning and Teaching*, Tehran: Amirkabir. (In Persian).
- Saeedi, Z. and M. Arianpouya (2015). "Investigating Bilingual Speakers" Code-Switching Phenomenon from the Standpoints of Speech Context, Age and Gender Variants", *Language Science*, 3(5): 141-164. (In Persian).
- Talebi Dastnabi, M and A. Khosbakht Arani (2017). "The Effect of Sociolinguistic Variables on Using Linguistic Taboos in Ārān and Bidgol Dialect", *Journal of Sociolinguistic*, 1(1): 75-86. (In Persian).
- Trudgill, p. (1997). *Sociolinguistics: An Introduction to Language and Society*, Tehran: Agah .(In Persian).
- Vakhideh, M.; Sorahi, M. and M. Danaye Tus (2021). "Assessing

- Linguistic Vitality of Mazandarani in Urban areas”, *Persian Language and Iranian Dialects*, 6(11): 173-195. (In Persian).
- Zandi, B. (2016). *Farsi Language Teaching Method*, Tehran: SAMT. (In Persian).
- Zia Hosseini, M. (2010). *Basics of Linguistics*, Tehran: Rahnama. (In Persian).

سازمان

